

Explaining the Semiotic Approach of Imam Khomeini to the Universe and Inference of Its Educational Connotations

Akbar Salehi¹

Faramarz Mohammadi Pouya²

Sina Torkashvand³

Abstract

Research Paper

The objective of the present study is to explain the inference of educational connotations of Imam Khomeini's semiotic approach to the universe. The semiotic approach to the universe from the Islamic point of view is based on the assumption that all phenomena of the universe have an ultimate existential origin and source that end in a divine source. This approach lends itself to thoughtful research in Imam Khomeini's viewpoint. In the present article, first, detailed explanation of the principles of semiotic approach to the universe in Imam Khomeini's viewpoint is explained, and, then their educational connotations are inferred. The method employed in the present study is descriptive-analytical. The descriptive-analytical method was used to answer the first question and practical analogy was used to answer the second question. The results showed that Imam Khomeini has a semiotic approach to the universe and some educational connotations can be inferred from it, which include the followings: Compatibility of semiotic approach with human rationality, rational relationship of sciences with semiotic approach, moral and axiological relationship between sciences and semiotic approach, the requirements of correct scientific orientation, and, finally the principle of confrontation and interaction of morality and reason and practice.

Keywords: Imam Khomeini, education, teacher-student interactions, educational connotations, semiotic approach, principles.

1. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Education and Psychology, University of Kharazmi, Tehran, Iran (corresponding author), Email: salehihidji2@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Literature and Humanities, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran, Email: muhammadipouya@yahoo.com

3. PhD, Department of Philosophy of Education, Faculty of Education and Psychology, University of Kharazmi, Tehran, Iran, Email: sina.torkashvand663@gmail.com

تبیین نگرش آیه‌ای به عالم از دیدگاه امام خمینی و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن

اکبر صالحی^۱

فرامرز محمدی پویا^۲

سینا ترکاشوند^۳

مقاله پژوهشی

چکیده: نگرش آیه‌ای از نظر اسلامی بر این فرض مبتنی است که تمامی پدیده‌های هستی از نظر وجودی، اصل و سرمنشأ اصلی نهایی دارند که به یک منبع الهی ختم می‌گردد. چنین نگرشی در اندیشه امام خمینی به عنوان یک اندیشمند مسلمان، قابل تعمق است. در مقاله پیش رو نخست تبیین دقیقی از مبانی نگرش آیه‌ای به عالم در دیدگاه امام خمینی ارائه شده و سپس دلالت‌های تربیتی از آن استخراج شده است. هدف پژوهش حاضر استنتاج دلالت‌های تربیتی حاصل از تبیین نگرش آیه‌ای به عالم بر اساس دیدگاه امام خمینی است. در این پژوهش برای تبیین نگرش آیه‌ای به عالم در دیدگاه امام خمینی از روش توصیفی-تحلیلی و برای استنتاج دلالت‌های تربیتی از آن، از روش قیاس عملی استفاده شده است. نتایج نشان داده که امام خمینی نسبت به عالم نگرش آیه‌ای دارند و برخی دلالت‌های تربیتی همچون تناظر نگرش آیه‌ای با عقلانیت انسان، ارتباط عقلانی علوم با نگرش آیه‌ای، ارتباط اخلاقی و ارزشی علوم با نگرش آیه‌ای، ملزومات جهت‌گیری درست علمی و درنهایت اصل تقابل و تعامل اخلاق با عقل و عمل از دیدگاه ایشان قابل استنتاج است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، تعلیم و تربیت، تعاملات معلم و شاگرد، دلالت‌های تربیتی، نگرش آیه‌ای.

۱. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
Email: salehihidji2@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
Email: muhammadipouya@yahoo.com

۳. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
Email: sina.torkashvand663@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۱

پژوهشنامه متین / سال بیست و چهار / شماره نود و چهار / بهار ۱۴۰۱ / صص ۱۵۳-۱۲۹

مقدمه

از حدود نیمه سده بیستم به این سو، انتقادهای مهمی بر دیدگاه‌های اثبات‌گرایانه در مورد هویت علم مطرح شد و در آن، متفکران ویژگی‌های اساسی دیگری برای علم برشمردند؛ ویژگی‌هایی از قبیل درهم‌تنیدگی علم و متافیزیک، تأثیرآفرینی علم بر متافیزیک، درهم‌تنیدگی علم و ارزش، درهم‌تنیدگی مشاهده و نظریه و ... (باقری ۱۳۸۷: ۲۷) در پی مناقشه‌های گوناگون در فلسفه و تاریخ علم، امروزه اجماعی کلی وجود دارد که بررسی علم بدون واکاوی پیش‌فرض‌های فلسفی - متافیزیکی و ارزش‌شناسانه آن بی‌معنی تلقی می‌شود (چالمرز ۱۳۸۰). یکی از این پیش‌فرض‌ها لحاظ کردن نظام‌مند و توأمان جنبه‌های پیدا و پنهان هستی در ارتباط با هم و اجتناب از فروکاهیدن هستی به جنبه یا جنبه‌های محدودی از پدیده‌ها به‌ویژه پدیده‌های عینی و حسی است.

در رویکرد اسلامی نوع نگرش به علم، مفهوم آیه و نشانه‌ای دیدن پدیده‌ها، به منزله پللی است که عبور از جنبه پیدای هستی و پدیده‌های آن، به جنبه پنهان و همچنین ادراک نظام‌مند آن را میسر می‌سازد و بر قابلیت ادراک انسان بر دریافت این نشانه‌ها تأثیرگذار است (علم‌الهدی ۱۳۸۶: ۳۶). در میان اندیشمندان معاصر و مسلمان همچون امام خمینی، چنین نگرشی قابل تعمق است. ایشان در همین راستا می‌گویند: «فرق مابین اسلام و سایر مکتب‌ها... این است که اسلام در همین طبیعت یک معنای دیگری می‌خواهد... کسی که مطالعه کند در قرآن شریف این معنا را، می‌بیند که جمیع علوم طبیعی جنبه معنوی آن در قرآن مطرح است نه جنبه طبیعی آن» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۳۳).

همچنین معتقد است: «انسان یک موجودی است که خدای تبارک و تعالی تا حالا او را خلق کرده است برای اینکه همه جهاتی که در عالم هست، در انسان هست، منتها به‌طور قوه است، به‌طور استعداد است، و این استعدادها باید فعلیت پیدا بکند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۱۲-۴۱۱). وی هدف نهایی تعلیم و تربیت را عبودیت و قرب الی الله می‌داند و می‌نویسد: «شما اگر بتوانید این بچه‌ها را تربیت کنید به‌طوری که از اول‌بار بیایند به اینکه خداخواه باشند، ... اگر عبودیت خدا را به این‌ها و تربیت الهی را و آنکه هر چه هست از اوست به این‌ها القا کنید، و آن‌ها بپذیرند، خدمت کردید به این جامعه... و اگر خدای نخواست بر خلاف این باشد ... خیانت کرده است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۴۰).

امام در بیاناتش ضمن اصیل و واقعی انگاشتن اشیاء و پدیده‌های هستی، از این ظاهر شکلی عبور کرده، به محتوا می‌رسد و از آن نیز می‌گذرد و به سرمنشأ و مبدأ و سر و تقدیر و اتصال نهایی آن یعنی ملکوت دست می‌یابد تا آنجا که اشیاء و پدیده‌ها به دلیل هندسه و نقش و براهین علل غایی خود، به نشانه و آیه تبدیل می‌شوند. این نوع نگاه در توصیف جهان هستی، علم، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و... به‌خوبی بیان شده است. امام خمینی پیرامون علم و اتصال آن با عالم ملکوت می‌گوید:

تمام علوم طبیعی - به هر مرتبه‌ای که برسند - باز آن چیزی که اسلام می‌خواهد نیست. اسلام طبیعت را مهار می‌کند برای واقعیت؛ و همه را رو به وحدت و توحید می‌برد. تمام علوم می‌برد. شما اسم می‌برید و از دانشگاه‌های خارجی تعریف می‌کنید - و تعریف هم دارد - این‌ها یک ورق از عالم است؛ آن‌هم یک ورق نازل‌تر از همه اوراق. عالم، از مبدأ خیر مطلق تا منتها إلیه، یک موجودی است که حظ طبیعی‌اش یک موجود بسیار نازل است؛ و جمیع علوم طبیعی در قبال علوم الهی بسیار نازل است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۳۳).

بر همین اساس، امام خمینی نگاه آیه‌ای نسبت به علم دارند و داروجود را دار علم می‌داند و مطابق با دیدگاه ملاصدرا می‌گوید: «ذره‌ای از موجودات حتی جمادات و نباتات خالی از علم نیستند و به اندازه حظ وجودی، حظ از علم دارند» (ملاصدرا ۱۳۸۹ ج ۱: ۱۱۸؛ امام خمینی ۱۳۷۷: ۲۶۰-۲۵۹).

مطابق با آنچه در بالا گفته شد ضرورت تبیین چنین نگرشی به عالم در دیدگاه متفکران مسلمان بیش از پیش احساس می‌گردد. از سویی دیگر برای ایجاد یک چنین نگرشی لازم است برخی از اصول تربیتی از جانب مریبان تعلیم و تربیت به کار رود. پژوهش حاضر با ابتنا بر دو محور اصلی یعنی تبیین نگرش آیه‌ای به عالم در دیدگاه امام خمینی و نیز استنتاج دلالت‌های تربیتی از آن، درصدد است تا نقش‌آفرینی چنین نگرشی به عالم را در رفتار تربیتی مربی و مربی تبیین نماید. با این توضیح که در پژوهش حاضر تمرکز دلالت‌های تربیتی صرفاً بر اصول تربیتی برآمده از چنین نگرشی خواهد بود.

۱. پیشینه پژوهش

پیرامون نگرش آیه‌ای به عالم، پژوهش‌های چندی صورت پذیرفته است، اما نسبت به تبیین نگرش آیه‌ای عالم بر اساس دیدگاه امام خمینی پژوهشی انجام نشده است. به عنوان نمونه: رهنورد (۱۳۷۷) در پژوهشی با عنوان «نظریه نگرش آیه‌ای» به تبیین نظریه نگرش آیه‌ای پرداخته است. یافته‌های پژوهش بیان‌گر آن است که روند نگرش آیه‌ای را به سه صورت می‌توان ترسیم کرد: ۱. انسان با اعتقاد و ایمان به حقیقتی برین و متعال و دارای منشأ وجودی متعال و درنهایت «خدا»؛ ۲. واقع‌ها (طبیعت، جامعه، تاریخ، انسان با تمامی فعالیت‌های روحی، ذهنی، عینی، فردی و اجتماعی)؛ ۳. آیه، طیفی از حقیقت نامحسوس والا که از لحاظ وجودی درنهایت به ماورای محسوس، خدا، حکمت خداوندگاری، قضا و قدر، مشیت الهی، بعث و معاد و جز آن که درنهایت به عالی‌ترین مفاهیم وجود، متصل می‌شود. آیه‌نگری یک روند مکاشفه است. واقع را به تمامی ابعاد آن دیدن است از آیه تا واقع بُعد زمانی نیست، بلکه بُعد وجودی است. ملک محمدی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه خدا و جهان هستی از دیدگاه قرآن و نقش آن در ارتقای اخلاق زیست‌محیطی» پرداخته‌اند. یافته‌ها بیان‌گر آن است که بر اساس آموزه‌های قرآنی، ایمان به خدا، ضامن رعایت اخلاق زیست‌محیطی است و موجب می‌شود انسان از اموری که منجر به آسیب و تخریب محیط زیست می‌شود، جهت تقرب به خداوند دوری کند و از این طریق پیوندی دوستانه میان انسان و جهان ذی‌شعور برقرار کند انسان باید شاکر نعمت‌های خدا باشد و الگوهای اخلاقی قرآنی را در مواجهه با محیط زیست، جهت پیمودن مسیر تعالی و اصلاح روش زندگی دنبال کرده تا منجر به بهره‌مندی همگان از محیط زیستی سالم شود. زهرا الزیرا (۲۰۰۱) کتابی با عنوان «کل‌گرایی و تقدس در تربیت اسلامی» نگاشته که در آن بر اساس اندیشه توحیدی در اسلام، مبنایی کل‌گرایانه برای برنامه درسی پیشنهاد می‌کند. به عبارت دیگر، با نظر به یگانگی خدا، از یگانگی نظام جهان و طبیعت، یگانگی دانش و یگانگی روش‌شناسی سخن به میان آمده و بر این اساس، توصیه شده است که در برنامه درسی، وحدت جهت‌گیری، وحدت دانشی و وحدت روش‌شناختی در قسمت‌های مختلف برنامه درسی در نظر گرفته شود. باقری (۱۳۸۷) در پژوهشی در مورد هویت علم دینی بر این باور است که سخن گفتن از علم دینی، در وجه معینی از این تعبیر

امری ممکن و معنادار است... این امکان در مورد علوم انسانی اسلامی، در گروی آن است که بتوان پاره‌هایی از اندیشه اسلامی را به منزله پشتوانه‌های متافیزیکی برای تحقیق در علوم انسانی لحاظ کرد. با توجه به محتوای این کتاب نویسنده معتقد است امکان علم دینی با لحاظ کردن پیش فرض‌های متافیزیکی و هستی‌شناسی اسلامی وجود دارد. علم الهدی (۱۳۸۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی به مبانی اسلامی روش تحقیق» به نقش آفرینی دیدگاه هستی‌شناسانه معرفت بر کار تحقیق اشاراتی به این موضوع دارد. بر این اساس اشاره می‌کند که در هر پژوهشی محقق اسلامی باید به لایه‌های گوناگون معرفت و مراتب معرفت در نظام هستی توجه داشته باشد. مرور پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌های فوق به‌طور غیرمستقیم با این پژوهش در ارتباط است، اما این پژوهش با تأکید بر اندیشه امام خمینی و با رویکردی تربیتی به نگرش آیه‌ای پرداخته است و از این رو از منظر اتکا بر اندیشه امام خمینی و استخراج دلالت‌های تربیتی جدید از آن به نوبه خود نوآورانه است.

۲. روش پژوهش

در پژوهش حاضر، از دو روش توصیفی-تحلیلی و استنتاج-قیاسی همچون یکی از رویکردهای پژوهش کیفی (Given2008) بهره گرفته شده است. از آنجا که این پژوهش در قلمرو تعلیم و تربیت انجام می‌شود به این سبب که لازم است برخی پیشنهادها همچون ارائه اصول برای تعلیم و تربیت بیان شود، از روش قیاس عملی بهره گرفته شده است. بر همین اساس ابتدا هویت عالم و آیه‌ای بودن عالم به عنوان پیش درآمد بحث و پس از آن مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی در دیدگاه امام خمینی تبیین شده تا دیدگاه آیه بودن عالم بر مبنای دیدگاه جامع امام به دست آید. در مرحله بعد با به کارگیری روش قیاسی-استنتاجی تلاش می‌شود تا اصول و گزاره‌های تجویزی به عنوان راهنمای عمل تربیتی معلمان و به‌طور کلی برای تعلیم و تربیت استنباط و ارائه گردد. آنچه به عنوان مبنای پژوهش حاضر در نظر گرفته شده، تفسیری است که امام خمینی در کتاب شرح چهل حدیث و سایر منابع خودشان از سه مبحث انسان و علم‌ورزی وی و همچنین نظام هستی ارائه نموده‌اند که زمینه را برای تبیین چنین نگرشی به تعلیم و تربیت دامن می‌زند که در تله اصلی پژوهش با استفاده از قیاس عملی و الگوی فرانکنا بدان پرداخته می‌گردد.

۳. مبانی مفهومی و نظری

۳-۱. آیه بودن عالم از دیدگاه امام خمینی

آیه و نشانه بودن عالم در دیدگاه امام خمینی، در نظر داشتن موجودات از حیث نمودی و ارتباط با خداوند متعال است. ایشان در تفسیر سوره حمد درباره مفهوم آیه بودن عالم، می‌گوید: «همه عالم اسم الله‌اند»؛ تمام عالم چون اسم، نشانه است؛ همه موجوداتی که در عالم هستند نشانه ذات مقدس حق تعالی هستند. منتها نشانه بودنش را بعضی‌ها می‌توانند به عمقش برسند، که این چطور نشانه است؛ و بعضی هم به طور اجمال می‌توانند بفهمند که نشانه است. آن‌که به طور اجمال است این است که موجود خودبه‌خود وجود پیدا نمی‌کند... (امام خمینی ۱۳۷۹: ۹۷-۹۶).

بنابراین در معنای اجمالی آیه بودن عالم (اسم الله بودن) بدان معناست که هر به وجود آمدنی و هر تبدیلی، یک علت [خارجی] دارد و این موضوع جزء بدیهیات عقلی (و قابل فهم توسط عامه) است.

ایشان در تبیین «عمق معنای آیه بودن عالم» تمام هستی و اوصاف را از خداوند می‌داند و می‌گوید:

یک چنین موجودی که مبدأ یک ایجاد می‌شود، و مبدأ یک وجود می‌شود، تمام آن موجوداتی که به مبدئیت او وجود پیدا می‌کنند، این‌ها مستجمع همان اوصاف هستند به طریق نقص. منتها مراتب دارد: یک مرتبه اعلاست که در آن همه اوصاف حق تعالی هست، منتها به اندازه‌ای که امکان دارد، به اندازه‌ای که می‌شود یک موجودی واجد باشد، آن «اسم اعظم» است. «اسم اعظم» عبارت از آن اسمی است و آن علامتی است که واجد همه کمالات حق تعالی است به طور ناقص؛ و به طور ناقص، یعنی نقص امکانش؛ و واجد همه کمالات الهی است، نسبت به سایر موجودات، به طور کمال. این موجوداتی که دنبال آن اسم اعظم می‌آیند، این‌ها هم واجد همان کمالات هستند، منتها به اندازه سعه هستی خودشان، به اندازه سعه وجودی خودشان، تا برسد به همین موجودات مادی. این موجودات مادی را که ما خیال می‌کنیم قدرت، علم و هیچ‌یک از کمالات را ندارند، این طور نیست (امام خمینی ۱۳۷۹: ۹۸).

همچنین، امام دربارهٔ حیات و حرکات همهٔ موجودات می‌گوید: «عالم پرهیاهوست. تمام عالم زنده است، همه هم اسم الله هستند. همه چیز اسم خداست. شما خودتان از اسماء الله هستید، زبانتان هم از اسماء الله است، دستتان هم از اسماء الله است. به اسم الله، الْحَمْدُ لِلَّهِ، حمد هم که می‌کنید اسم الله است» (امام خمینی ۱۳۷۹: ۱۰۰).

بر این اساس، مفهوم آیه بودن عالم به معنای دقیق - بدان معناست همهٔ موجودات (اعم از مادی و غیرمادی)، تجلی اسم الله هستند و واجد همهٔ کمالات الله هستند، منتها به اندازه سعه هستی خودشان. هیچ‌یک از موجودات - اعم از انسان و غیر انسان - استقلال ذاتی ندارند. همهٔ موجودات به اندازهٔ سعهٔ وجودی‌شان ادراک و خداوند را تسبیح می‌کنند. بنابراین مفهوم نگرش آیه بودن عالم از منظر امام خمینی این‌گونه تبیین می‌شود که نظام هستی مراتبی دارد و موجودات عالم هریک در مراتب هستی خود از منبع فیض الهی و امکانات الهی برخوردارند؛ اما نگرش آیه بودن امام خمینی دارای مبانی فکری‌ای است که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۳. مبانی فکری تأثیرگذار بر نگرش آیه‌ای امام خمینی

در این بخش به منظور تبیین دقیق نگرش آیه‌ای امام خمینی و نیز زمینه‌سازی برای استنتاج دلالت‌های تربیتی، بر اندیشه ایشان در مورد انسان‌شناسی و شناخت‌شناسی مروری اجمالی خواهیم داشت، چراکه در تعلیم و تربیت از یک‌سو با تربی و از سویی با علم و شناخت سروکار داریم؛ لذا مبانی انسان‌شناسی و شناخت‌شناسی، اساس تربیت مبتنی بر نگرش آیه‌ای است.

الف) مبانی انسان‌شناسانه نگرش آیه‌ای امام خمینی

انسان در اندیشه امام خمینی دارای سیر تکاملی مراتب وجود است. ایشان در همین زمینه معتقد است که با حرکت جوهری، عین همین موجود طبیعی، از طبیعت حرکت نموده و به طرف کمال می‌رود؛ چنان‌که در طفولیت و صباوت و شباب و کهولت، یک هویت و وجود است... (اردبیلی ۱۳۸۱ ج ۳: ۴۰۳). بر همین اساس، انسان از نظر امام خمینی، جامع تمام جهات عالم و نسخهٔ کامل هستی و شامل عالم غیب و شهادت و عصاره و خلاصه و غایت عالم است. انسان، جلوه‌گاه نور حق و مظهر اسم اعظم و جمیع اسمای الهی و جامع کون

کبیر است (امام خمینی ۱۳۷۶: ۷۱ - ۸۰).

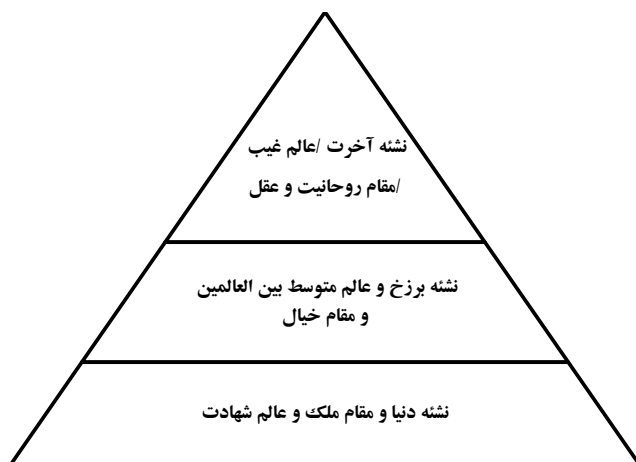
«قوای ظاهره و باطنه که جنود ملکینه و ملکوتیه نفس است که محل آنها ارض طبیعت انسان است که این بنیه و کالبد باشد» (امام خمینی ۱۳۸۰: ۱۰۳). امام خمینی مانند ملاصدرا بر این باور است که گرچه این قوا متکثرند، اما این کثرت در دل یک وحدت و بساطت حضور دارند. انسان یک تشخص ذومراتب است و هویت بسیطة واحدة شخصیه با عرض عریض است که گویا یک شجر است که صاحب تنه و ریشه و شاخه و گل و برگ است (اردبیلی ۱۳۸۱ ج ۳: ۳۷۸-۳۷۹). امام پیرامون جایگاه انسان کامل می گوید: «و تواند بود که چون موجودات دیگر داند که وصول به فنای ذات مقدس و استغراق در بحر کمال برای آنها امکان پذیر نیست جز به طفیل و تبع ذات مقدس انسان کامل عالم بالله و عارف معارف الهیه و جامع علم و عمل - چنانچه این نیز مقرر است در محال خود - از این جهت کمال انسانی را، که به استغراق در بحر غفاریت حق حاصل شود، از حق تعالی طلب کنند که خود نیز به وسیله او به کمالات لایقه خود برسند» (امام خمینی ۱۳۷۶: ۴۱۸).

امام شرافت انسانی را از همان ابتدای خلقت مطرح می کند و به آیه ذیل مستند می سازد:
 «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴-۱۲)؛ «هرآینه ما انسان را از گل خالص آفریدیم. سپس او را نطفه ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه از آن نطفه، لخته خونی آفریدیم و از آن لخته خون، پاره گوشتی و از آن پاره گوشت، استخوانها آفریدیم و استخوانها را به گوشت پوشانیدیم، بار دیگر او را آفرینشی دیگر دادیم. درخور تعظیم است خداوند، آن بهترین آفرینندگان».

ایشان در شرح چهل حدیث انسان را دارنده سه نشئه و صاحب سه مقام و عالم می داند: اول، نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل؛ دوم، نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال؛ سوم، نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت (امام خمینی ۱۳۷۶: ۳۸۶). امام خمینی هر سه نشئه انسان را مرتبط با هم می داند و می نویسد:

و باید دانست که هر یک از این مراتب ثلاثه انسانی که ذکر شد به طوری به هم مرتبط است که آثار هر یک به دیگری سرایت می کند، چه در جانب

کمال یا طرف نقص. مثلاً اگر کسی قیام به وظایف عبادیه و مناسک ظاهریه، چنانچه باید و مطابق دستورات انبیاست، نمود، از این قیام به وظایف عبودیت تأثیراتی در قلب و روحش واقع شود که خلقتش رو به نیکویی و عقایدش رو به کمال گذارد. و همین طور اگر کسی مواظب تهذیب خلق و تحسین باطن شد، در دو نشئه دیگر مؤثر شود، چنانکه کمال ایمان و احکام عقاید تأثیر در دو مقام دیگر می‌نماید. و این از شدت ارتباطی است که بین مقامات است (امام خمینی ۱۳۷۶: ۳۸۷).



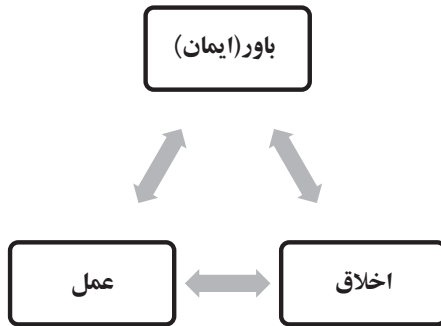
شکل (۱): سه نشئه، مقام و مرتبه انسان در دیدگاه امام خمینی

تبیین ارتباطات مراتب سه گانه انسانیت از سوی امام، با نفی جداسازی کمالات این مراتب و وابستگی آن‌ها به غایات تعلیم و تربیت، به باهم نگری آن‌ها منتهی می‌شود و معنای دقیق‌تری می‌یابد.

و همین طور، کمالات مقامات ثلاثه بسته به کمالات هر یک است. کسی گمان نکند که بدون اعمال ظاهریه و عبادات قالبیه می‌تواند دارای ایمان کامل یا خلق مهذب شود، یا اگر خلقتش ناقص و غیر مهذب شد، اعمالش ممکن است تامّ و تمام و ایمانش کامل شود، یا ممکن است بدون ایمان قلبی اعمال ظاهریه‌اش تامّ و محاسن اخلاقیه‌اش کامل گردد. وقتی اعمال

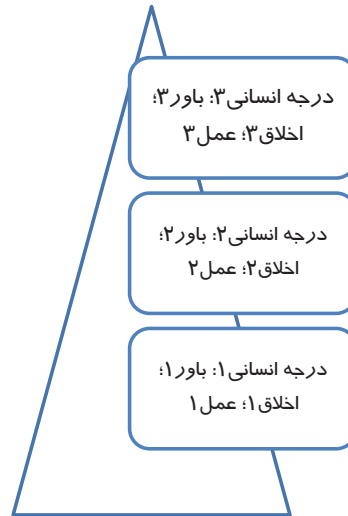
قالیبه ناقص شد و مطابق دستورات انبیا نگردید، احتجاجاتی در قلب و کدوراتی در روح حاصل می‌شود که مانع از نور ایمان و یقین می‌شود. و همین‌طور اگر اخلاق رذیله در قلب باشد، مانع از ورود نور ایمان است در آن (امام خمینی ۱۳۷۶: ۳۸۸-۳۸۷).

در شکل ۲، رابطه دوسویه میان هر یک از مراتب انسان (مؤلفه‌های وجود انسان) به‌خوبی نشان داده شده است:



شکل شماره ۲: «ارتباط متقابل» مراتب (مؤلفه‌های) سه‌گانه وجود انسان

درواقع از آنجاکه باور و اخلاق و عمل هر انسان، ارتباط نزدیک و متقابلی در وجود وی دارند، رشد و سقوط آن‌ها هم‌زمان است؛ بنابراین با تقویت یا تضعیف یک باور، خلق و عمل متناسب با آن نیز در وجود انسان تقویت یا تضعیف می‌شود و این موضوع در مورد دو مؤلفه دیگر نیز صادق است. در شکل زیر این مطلب مورد توجه قرار گرفته است. هر باور (که با شماره سطح آن مشخص شده است)، خُلق و عمل متناسب با خود (در همان سطح) را داراست.



شکل شماره ۳: ارتباط مراتب سه گانه و تناسب باور و اخلاق و عمل در هر درجه انسانیت، بایکدیگر

حال با توجه به شکل بالا می‌توان گفت مقام انسان درجه سه از نظر درجه در سه زمینه اخلاق، باور و ایمان و عمل هم‌رتبه با انسانی نیست که در مرتبه و درجه ۱ و به عبارت بهتر در مرتبه پایین‌تری قرار دارد.

(ب) مبانی شناخت‌شناسی نگرش آیه‌ای امام خمینی

مبحث شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی چنان به هم تنیده‌اند که به قول کاپلستون دشوار است در یک بحث شناخت‌شناسی، از مسائل هستی‌شناسی اجتناب کرد (کاپلستون ۱۳۸۵ ج ۹: ۱۷۳). از همین روی است که از دیدگاه آن شناخت‌شناسانی که مبنایشان حس است عالم هستی، همتای ماده است و چیزی که ماده ندارد، وجود ندارد؛ اما از دل آن شناخت‌شناسانی که مبنایشان اعم از حس و عقل است، عالم هستی ترکیبی است از غیب و شهادت و چیزی که ماده ندارد، می‌تواند وجود داشته باشد. در همین راستا امام در فرازی از سخنانشان بحث‌های بنیادین و مهم انسان‌شناسی، شناخت‌شناسی، هستی‌شناسی و راهنماشناسی را توأمان با هم ذکر می‌کنند.

امام علت بعثت انبیا را علاوه بر گسترش خداشناسی و توحید، شناخت مردم از عالم،

چنان که هست، نه آن گونه که ما ادراک می کنیم، ذکر می کنند. ایشان می گوید: «آنچه که انبیا برای او مبعوث شده بودند و تمام کارهای دیگر، مقدمه اوست، بسط توحید و شناخت مردم از عالم است که چطور است؛ ارائه عالم به آن طوری که هست، نه به آن طوری که ما ادراک می کنیم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۲۸۴)؛ بنابراین با ظهور اولین نبی و اولین انسان، یعنی آدم^(ع) شناخت هم متولد شده است. امام نه تنها شناخت را ممکن می دانند، بلکه معتقدند «آرمان اصلی وحی این بوده است که برای بشر معرفت ایجاد کند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۲۲۵). تفسیر امام از کلام پیامبر اکرم^(ص) که راجع به شناخت عالم فرمودند، این گونه است: «الهم ارنی الاشیاء کما هی». این به احتمال قوی بدین معنی است که خداوند به آن نشان داده که تمامی موجودات عالم، صرف و عین ربط و عین تعلق به خداوند تبارک و تعالی هستند و در واقع با این مشاهده است که معرفت خدا حاصل می شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۶۶).

امام می گوید بنا بر قول مشهور علم دارای دو قسم است: الف) علم حصولی؛ که عبارت است از این که حصول علم، محتاج به واسطه است، یعنی اگر انسان بخواهد به اشیای خارجی، مثلاً، علم بصری پیدا کند باید صور خارجی آن‌ها را ببیند تا به وسیله صورت خارجی و به واسطه چشم در ذهن صورت علمی تولید گردد. ب) علم حضوری؛ که عبارت است از این که علم برای عالم به واسطه محتاج نباشد. گفته اند علم حضوری در سه مورد مصداق پیدا می کند: (۱) علم مجرد، به ذات خودش (مانند علم نفس به ذات خودش)؛ (۲) علم علت به معلول خودش؛ (۳) علم هر مجردی به مجرد دیگر، اعم از آن که مجرد از معالیل دیگر باشد یا نه در صورتی که مجرد در سلسله معالیل مجرد دیگر باشد، چنان که علت مجرد به وجود معلول خود عالم است و معلول مجرد هم به علت مجرد خود عالم است، اما نه به نحو احاطه، بلکه به آن اندازه که حدقه چشم او استعداد تعقل علت خود را داشته باشد (اردبیلی ۱۳۸۱ ج ۱: ۳۸۵-۳۸۴).

ایشان عقل را در نهایت متصل به باری تعالی می گردانند و معتقد است که: «قوه تمیز و عقل به تنهایی کافی نیست، لذا حضرت احدیت، انبیا و مرسلین و اولیاء الله و علماء بالله را برای اعتضاد این قوه فرستاده تا بتوانند آن‌ها را لجام کنند و تحت فرمان عقل، بلکه عقل کل و دستور شرع درآورند و آن‌ها را رام کرده و توابع رذیله را از صفحه دل بردارند» (اردبیلی

۱۳۸۱ ج ۳: ۳۶۶)؛ بنابراین روشن می‌شود که امام عقلی را به‌عنوان راه شناخت می‌پذیرد که تحت تصرف قانون الهی و شرعی باشد و به‌اصطلاح صبغه و رنگ قدسی داشته باشد و از نظر ایشان عقلی که پشتیبانی شرع و تعالیم انبیای عظام را نپذیرد، استقلال ندارد، بلکه برده و بنده شهوت و غضب و شیطان خواهد بود.

ایشان استفاده از قرآن، این راه پرمحتوا و غنی که باب معرفت را گشوده و عمده نظر آن بر توسعه معرفت است، برای افراد مختلف، به‌حسب استعداد و توانایی‌هایشان، متفاوت و به عبارتی تشکیکی می‌دانند و معتقدند: «عمده نظر کتاب الهی و انبیای عظام بر توسعه معرفت است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۱۱۵). ایشان تأکید دارند که شناخت بشر محدود به طبیعت است و ماورای طبیعت را نمی‌تواند بشناسد، بلکه برای شناخت آن نیازمند یک معانی دیگر و کسی است که علم حقیقی به آن طرف و رابطه انسان با آن سوی عالم داشته باشد؛ چراکه این روابط برای بشر مخفی است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۱۸۸). در این بیان امام شناخت دیگری به نام وحی برای انبیا قائل می‌شود و می‌گوید: «... اگر انبیا نباشند یک حیوانی هستیم که هر چه هست همین طبیعت [است و] بیشتر از این ادراک نداریم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۱۸۹). تهذیب نفس نیز یکی از راه‌های شناخت است که امام بدان تأکید داشته است. ایشان تهذیب و تزکیه نفس را عامل مؤثری برای اکتساب شناخت می‌داند. وی بر این باور است که برخی از مطالب را اگرچه بتوان با برهان اثبات کرد، اما تلقی آن به تهذیب نفس نیاز دارد. در واقع امام شرط تلقی یا تصور و در واقع دست یافتن به شناخت روشن برخی مفاهیم فلسفی را تهذیب و تقوای الهی می‌داند. قرآن کریم هم راجع به این راه شناخت می‌فرماید: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال: ۲۹)؛ اگر از خدا پروا کنید برای شما (نیروی) تشخیص (حق از باطل) قرار می‌دهد. این آیه تصریح دارد که اگر انسان خود را پاک و منزّه نگه دارد، خداوند متعال به او نیروی تشخیص و شناخت حق از باطل را می‌دهد. امام در فرازی دیگر، در کنار قرآن، معارف اهل بیت (ع) را هم به‌عنوان یکی دیگر از راه‌های شناخت عنوان کرده‌اند. در همین راستا می‌گوید: «برادران ایمانی من، خصوصاً اهل علم، قدری به معارف اهل بیت، علیهم السلام، و قرآن توجه کنند آن را نسیان نکنند، که عمده بعثت رسل و انزال کتب برای مقصد شریف معرفه الله بوده» (امام خمینی ۱۳۷۶: ۶۶۰). فطرت نیز از راه‌های کسب شناخت در اندیشه امام است. از نظر ایشان برخی از مصادیق

فطرت عبارتند از: فطرت بر اصل وجود مبدأ، معاد، نبوت، وجود ملائکه و روحانیون و انزال کتب و اعلام طریق هدایت، فطرت عشق به حریت و... که بعضی از اینها از احکام فطرت و بعضی از لوازم فطرت می‌باشند (امام خمینی ۱۳۷۶: ۱۸۲-۱۸۱). وجدان نیز یکی دیگر از راه‌های شناخت در اندیشه امام است. امام در نامه‌ای عرفانی-اخلاقی که به فرزندشان مرحوم حاج سید احمد می‌نویسد از او می‌خواهد با قدم وجدان، او را همراهی کند تا به درک و شناخت آنچه امام درصدد اثبات آن است، برسد. امام می‌گوید: «عزیزم... بیا با هم به‌سوی وجدان رویم که ممکن است راهی بگشاید... اگر به قدم وجدان همین مقدار را درک کنی و بیایی» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۴۴۰-۴۳۹). حس نیز در اندیشه امام یکی از راه‌های شناخت در نظر گرفته شده است. ایشان حس را راهی مستقل برای شناخت نمی‌دانند، بلکه حس را به‌عنوان راهی غیرمستقل و وابسته که به عقل تکیه دارد، می‌پذیرد. جوادی آملی (۱۳۷۴) در بیان علت این که شناخت حسی نیازمند عقل است چنین بیان می‌کند: شناخت حسی هرگز یقین آور نیست؛ زیرا آنچه را که حس ادراک می‌کند تنها در طرف اثبات است؛ یعنی ما با حس می‌فهمیم که مثلاً نور موجود است، اما این مقدار که با دیدن حاصل می‌شود هرگز موجب یقین به وجود نور نمی‌گردد. یقین به وجود نور وقتی حاصل می‌شود که ما امتناع نقیضین را به‌عنوان یک اصل عقلی شناخته و بر اساس آن یک قیاس استثنایی تشکیل داده و نتیجه قطعی و یقینی از آن به دست آوریم. از بیان امام می‌توان استفاده کرد که اولاً ایشان جهان را آن‌گونه که هست، ممکن می‌دانند؛ ثانیاً، شناخت جهان آن‌گونه که هست، منجر به شناخت خداوند متعال می‌شود؛ ثالثاً، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و خداشناسی درهم تنیده و به هم مربوطند و نمی‌توان آن‌ها را جدا از هم مورد کنکاش و بررسی قرار داد و نتایج هریک در دیگری مؤثر است. امام در بیان معنای آیه محکمه می‌گوید:

کلمه «آیه» که به معنی «نشانه» است مناسب با علوم عقلیه اعتقادیه است، زیرا که آن علوم نشانه‌های ذات و اسماء و صفات و دیگر معارف است، و سابقه ندارد که در علوم دیگر به آیت یا نشانه تعبیر شود. مثلاً در کتاب الهی در موارد کثیره بعد از آنکه اقامه برهان بر وجود مقدس صانع، یا بر اسماء و صفات آن ذات مقدس، یا بر وجود قیامت و کیفیات آن و

عالم غیب و برزخ می‌فرماید، دنباله آن می‌فرماید: «این آیت است یا آیات است برای متفکرین یا عقلا» و این تعبیر رایجی است نسبت به این علوم و معارف. ولیکن اگر دنبال ذکر یک فرعی از فروع شرعیه، یا یک اصلی از اصول اخلاقیه، ذکر شود که «این آیت است»، خالی از رکاکت نیست. چنانچه ظاهر است. پس، معلوم شد که آیت و علامت و نشانه از مناسبات و مختصات علوم معارف است. چنانچه توصیف به «محکمه» بودن نیز مناسب با این علوم است، زیرا که این علوم در تحت میزان عقلی و برهان محکم است، و اما سایر علوم را به حسب نوع برهان محکم و استوار نیست (امام خمینی ۱۳۷۶: ۳۹۱).

در نهایت ایشان به تبیین معنای سنت قائمه می‌پردازند:

... سنت قائمه راجع به علوم تبدیه و آداب شرعیه است که تعبیر به «سنت» شده است، و عقول به حسب نوع از ادراک آن‌ها عاجز است، و طریق اثبات و فهم آن‌ها سنت است، چنانچه تعبیر و توصیف سنت به «قائمه» نیز مناسب با همان واجبات شرعیه است، زیرا که «اقامه» واجبات و برپاداشتن و «اقامه» صلوات و زکوات و غیر آن، تعبیر شایع صحیحی است. و این کلمه در آن دو علم دیگر به کار برده نمی‌شود، و تعبیر از آن‌ها به آن غیر صحیح است. این غایت آن چیزی است که به حسب مناسبات می‌توان تطبیق نمود. و العلم عند الله (امام خمینی ۱۳۷۶: ۳۹۲).

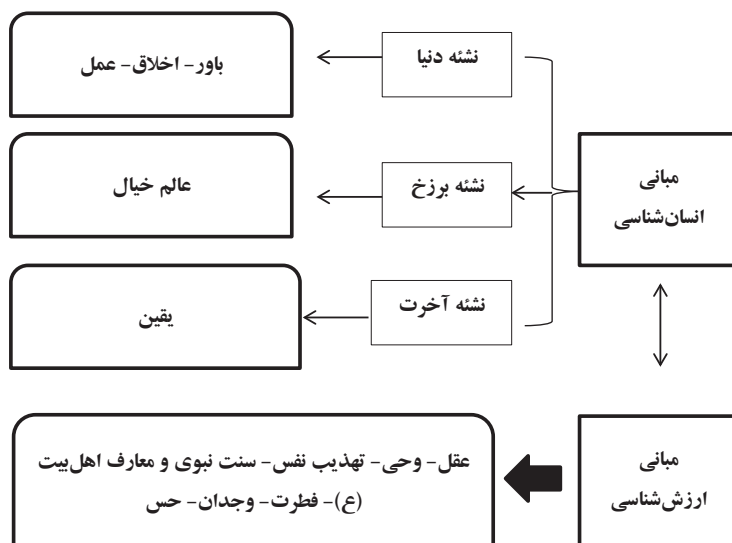
امام در بیان نکته به کار بردن تعبیر آیت به معنای علامت و نشانه بودن برای علوم عقلیه و حقایق اعتقادی می‌گوید:

در حدیث شریف از علم عقاید و معارف تعبیر فرموده است به «آیه»، و «آیت» علامت و نشانه است. و نکته این تعبیر آن است که علوم عقلیه و حقایق اعتقادی اگر چنانچه تحصیل شود برای فهم خود آن‌ها، و جمیع مفاهیم و اصطلاحات و زرق و برق عبارات و تزئین ترکیبات کلمات، و تحویل دادن به عقول ضعیفه برای تحصیل مقامات دنیویه، آن را «آیات محکمت» نتوان گفت، بلکه حجب غلیظه و اوهام واهیه باید نام نهاد (امام خمینی ۱۳۷۶: ۳۹۲).

جدول شماره ۱ خلاصه مباحث انسان‌شناسی و شناخت‌شناسی امام خمینی را به صورت تطبیقی نشان می‌دهد.

تعبیر علم	محتوای علم	مرتبه متناسب	منبع علمی	مرئی و معلم
آیه محکمه	دعوت به مبدأ و معاد است به طریق برهان صحیح و تبیان کامل؛ علم به الله و ملائکه و کتب و رسل و یوم الآخرة	نشئه آخرت عالم غیب مقام روحانیت و عقل	کتاب جامع الهی و قرآن کریم ربوبی، مشحون از آن است. بلکه می‌توان گفت تنها چیزی را که کتاب خدا از هر چیز بیشتر متکفل است همین علم است و دو مرحله دیگر در کتاب الهی نسبت به این مرتبه قدر قلیلی دارد. احادیث ائمه هدی، علیهم السلام، نیز در این مقصد فوق حد احصاء است.	انبیاء و اولیاء علیهم السلام فلاسفه و اعظم از حکما و اصحاب عرفان و معرفت
فریضه عادلانه	تهذیب باطن و اصلاح خلق و تعدیل خلق	نشئه برزخ عالم متوسط بین العالمین مقام خیال	کتاب الهی و اخبار وارده از اهل بیت علیهم السلام	انبیاء و اولیاء علیهم السلام علمای اخلاق و اصحاب ریاضات و معارف
سنت قائمه	تربیت ظاهر و ارتیاض آن است، علم فقه و مبادی آن و علم آداب معاشرت و تدبیر منزل و سیاست مدن	نشئه دنیا مقام ملک عالم شهادت	جمع کتب ما مشحون از آن است.	انبیاء و اولیاء علیهم السلام علمای ظاهر و فقها و محدثین

جدول شماره ۱: خلاصه آراء انسان‌شناسانه و شناخت‌شناسانه امام خمینی



شکل شماره ۴: مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی اندیشه امام خمینی

۴. مبانی نظری و الگوی تحلیل

۴-۱. دلالت‌های تربیتی نگرش آیه‌ای به عالم مبتنی بر دیدگاه امام خمینی

اکنون با نظر به مبانی طرح‌شده در تبیین نگرش آیه‌ای امام خمینی، برخی از دلالت‌های تربیتی را در اینجا می‌توان ارائه داد. منظور از دلالت‌های تربیتی در این مقاله اصول تربیتی هستند که هم ناظر به نقش مربی و متربی در تربیت در تأمل با محتوی آموزش و هم ناظر به تعاملات دوسویه با یکدیگر است.

۴-۱-۱. اصل توجه به مراتب تربیتی سه‌گانه در تربیت

این اصل برگرفته از تناسب باور اخلاق و عمل که در خصوص مراتب سه‌گانه انسان در بخش انسان‌شناسی مطرح گردید. بر اساس این اصل تربیتی، مریبان بایستی مراتب رشد سه‌گانه انسانی را مدنظر قرار دهند. همه مریبان تربیت و چه خود متربی زمانی از تربیت درست برخوردار خواهند بود که در هر سه مرتب انسانی به رشد و کمال برسد («... غایت تربیت، حرکت در «صراط مستقیم» است؛ و منتهی‌الیه این صراط مستقیم؛ کمال مطلق

است، الله است. دعوت شده است که ما تحت تربیت انبیا برویم و تحت تربیت بزرگان از اولیا واقع بشویم، تا آنها ما را هدایت کنند به راه مستقیم» (امام خمینی ۱۳۷۹: ۲۴۸). امام پس از ذکر تقسیمات علم حضوری، به صراحت مطرح می‌کنند همه علوم حضوری است:

علم عین عالم و عالم عین علم است و محال است که عالم حقیقت علم نباشد و علم حصولی رأساً غلط است؛ «کل عالم مجرد و کل مجرد عالم» (اردبیلی ۱۳۸۱ ج ۱: ۳۸۷). انبیا هم که آمده‌اند از طرف خدای تبارک و تعالی. برای همین تربیت بشر و برای انسان‌سازی است. تمام کتب انبیا - خصوصاً کتاب مقدس قرآن کریم - کوشش دارند به اینکه این انسان را تربیت کنند. برای اینکه با تربیت انسان، عالم اصلاح می‌شود. آن قدر که انسان غیر تربیت شده مضر است به جوامع، هیچ شیطانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آن قدر مضر نیست. و آن قدر که انسان تربیت شده مفید است برای جوامع، هیچ ملائکه‌ای و هیچ موجودی آن قدر مفید نیست. اساس عالم بر تربیت انسان است. انسان عصاره همه موجودات است و فشرده تمام عالم است. و انبیا آمده‌اند برای اینکه این عصاره بالقوه را بالفعل کنند؛ و انسان یک موجود الهی بشود. این موجود الهی تمام صفات حق تعالی در اوست و جلوه گاه نور مقدس حق تعالی است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۱۵۳). عالم، مدرسه است و معلمین این مدرسه، انبیا و اولیا هستند. و مربی این معلمین، خدای تبارک و تعالی است. خدای تبارک و تعالی، تعلیم و تربیت کرده است انبیا را. و ارسال کرده آنها را برای تربیت و تعلیم کافه ناس. انبیای بزرگ اولوالعزم مبعوث‌اند بر تمام بشر و سمت معلمی و مربی دارند نسبت به تمام بشر، و معلم آنها و مربی آنها حق تعالی است. و آنها هم بعد از اینکه به تعلیمات الهی تعلیم شدند و تربیت پیدا کردند مأمورند که بشر را تربیت کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۵۰۳).

۲-۱-۴. اصل جلوگیری از تفکیک جزئی‌نگر. تحدیدی. به مراتب و علوم سه‌گانه

این اصل برگرفته از مراتب شناخت در دیدگاه امام خمینی و نیز اسباب و ابزارهای شناخت در بحث شناخت‌شناسی ایشان است. در نظر گرفتن شدت ارتباط میان مراتب کمال و

سقوط و هم‌زمانی این مراتب، یکی دیگر از اصول مهم تربیت مبتنی بر دیدگاه امام خمینی و حاصل از نگرش آیه‌ای ایشان است. بر اساس این اصل مربی باید به ارتباط میان مراتب سه‌گانه علم توجه داشته باشد تا دچار نگرش تحدیدی در ارتباط با مراتب علوم نگردد. مریبان با روشنگری پیرامون مراتب سه‌گانه علوم باید متریبان را مرحله‌به‌مرحله هدایت نمایند و در رسیدن به قرب الی الله که هدف غایی تعلیم و تربیت اسلامی است سوق دهند.

۳-۱-۴. اصل مداومت، محافظت و مراقبت

وصول به حق تعالی و تحقق به اسماء و صفات و تخلق به اخلاق الله با مداومت، محافظت و مراقبت نفس حاصل می‌شود. در واقع راه شناخت خداوند از این سه طریق است؛ چنان‌که امام در این باره می‌گوید:

پس، بر طالب مسافرت آخرت و صراط مستقیم انسانیت لازم است که در هر یک از مراتب ثلاثه با کمال دقت و مواظبت توجه و مراقبت کرده و آن‌ها را اصلاح کند و ارتیاض دهد، و هیچ‌یک از کمالات علمی و عملی را صرف‌نظر ننماید. گمان نکنند که کفایت می‌کند او را تهذیب خلق یا تحکیم عقاید یا موافقت ظاهر شریعت، چنانچه هر یک از این عقاید ثلاثه را بعضی از صاحبان علوم ثلاثه دارا هستند (امام خمینی ۱۳۷۶: ۳۸۸).

در اینجا کلام امام اوج می‌گیرد و عرفان درونی ایشان آشکار می‌گردد و قلبش با عشق به حق پیوند می‌خورد و آینه تجلی حق می‌شود و روح کلام دگرگون می‌گردد و این معنا در شاهد زیر کاملاً اثبات می‌شود آنگاه که می‌گوید: «پس این مقام را شهود کردن یا به آن متحقق شدن کسی را دست ندهد مگر آنکه نردبان تعینات را پله‌پله بالا رود. و پیش از آنکه سالک به این مقام برسد مشاهده می‌کند که بعضی از اسماء الهیه از بعض دیگر خوب‌تر و زیباتر است، مانند عقول مجرد و فرشتگان مهیمن» (امام خمینی ۱۴۲۳: ۱۸). تزکیه مقدمه تربیت است: تزکیه یعنی زدودن آلودگی‌های باطنی همراه با رشد بُعدی. در مقابل دو لغت تطهیر (رفع آلودگی‌ها و نجاسات شرعی) و تنظیف (رفع آلودگی‌های ظاهری و غیربهداشتی) لغت تزکیه بکار برده می‌شود. تفاوت دیگری که تزکیه با تطهیر و تنظیف دارد در رشد و نمو بُعدی است که به واسطه تزکیه حاصل می‌شود. مثل مالی که اگر زکات آن پرداخت شود خداوند به آن برکتی بخشیده و آن را وسعت می‌دهد. تزکیه نفس یعنی رفع

ردایل و آلودگی‌های روحی و قلبی برای آن که قلب مہیای حکمت و معارف الهیہ و جایگاہ عبودیت خداوند متعال گردد کہ بہ دنبال آن کمال و سعادت و رشد معنوی انسان را بہ ہمراہ خواهد داشت. اگر تربیت با تزکیہ ہمراہ شود اثر خود را بجا خواهد گذاشت، وگرنہ انسان عالم و دانشمندی کہ از قید نفس رہا نشدہ و در مادیت عالم خاکی گرفتار است ضررہای بیشتری بر خود و جامعہ وارد می‌سازد تا انسان نادان و نابخردی کہ عصیان الہی نمودہ و بخواہد توطئہ‌ای ایجاد نماید. «چو دزدی با چراغ آید گزیدہ تر برد کالا». پس در نظام تربیتی اسلام، بر مریبان لازم است تا اصل تزکیہ و آمادہ نمودن آیینہ دل را جہت ظہور حق و حبّ الہی را ہموارہ مورد تأکید قرار دہند؛ بہ طوری کہ از اہداف مہم انبیاء عظام بہ ویژه پیامبر اکرم (ص) بشمار می‌رود.

۴-۱-۴. اصل تناظر نگرش آیہ‌ای با عقلانیت انسان

نگرش آیہ‌ای - آن گونه کہ در بررسی مفهوم آن گذشت - در معنای وسیع و شایستہ آن، در علوم عقلی اعتقادیہ و مرتبہ روحانیت و عقل لحاظ شدہ است. گزارہ توصیفی این موضوع را می‌توان از مقایسہ دو بیان امام، یکی درباره آیہ بودن عالم و دیگری در توضیح اجمالی ایشان از آیہ محکمہ، دریافت: «یک چنین موجودی کہ مبدأ یک ایجاد می‌شود، و مبدأ یک وجود می‌شود، تمام آن موجوداتی کہ بہ مبدئیت او وجود پیدا می‌کنند، این‌ها مستجمع همان اوصاف هستند بہ طریق نقص. منتہا مراتب دارد: یک مرتبہ اعلاست کہ در آن ہمہ اوصاف حق تعالی هست، منتہا بہ اندازہ‌ای کہ امکان دارد، بہ اندازہ‌ای کہ می‌شود یک موجودی واجد باشد، آن «اسم اعظم» است» (امام خمینی ۱۳۷۹: ۹۸). نگرش آیہ‌ای یک رفت‌وبرگشت دائمی بین دو شیوہ استدلالی و شہودی و یا منطقی و عرفانی است و از جمع و ترکیب این دو روش است کہ نگرش آیہ‌ای میسر می‌شود. بر اساس این اصل بر مریبان لازم است کہ با تبیین عقلانیت در روش‌های تدریس و ارتباط آن با روش‌های شہودی الہی و عرفانی بہ پیوند نگرش آیہ‌ای با عقلانیت پردازند.

۴-۱-۵. اصل ارتباط مستقیم علوم با قلمرو عقل و نگرش آیہ‌ای

در بیشتر موارد، علوم اجتماعی، علوم طبیعی، تاریخ و امثالہم - در چارچوب علم نافع - در قلمرو آیہ محکمہ و حوزہ عقل ورزی کامل وارد می‌شود؛ بنابراین بہ طور واضح و مستقیم، ہمہ آنچه در مورد آیہ بودن عالم، اسم اللہ بودن، عبرت و آنچه در مورد کمالات موجودات

و مرتبهٔ آنان (حیات، ادراک) گفته شد، در این علوم وارد می‌شود. بر این اساس با نظر به سه اصل مذکور، ضروری است که برای تحقق غایت تعلیم و تربیت از طریق تأثیر مستقیم این مرتبه در مرتبهٔ اخلاق و مرتبهٔ عمل، زمینه پیدایش اخلاق و عملی هم‌تراز با آن پدید آید. بر اساس این اصل، عقل به‌عنوان یکی از راه‌های شناخت انسان مطرح شده است. بر مریبان لازم است تا متریبان را با گوهر عقل آشنا سازند تا در راه علم‌آموزی و کسب علوم عقلیه به باری تعالی برسند.

۴-۱-۶. اصل رعایت ملزومات جهت‌گیری درست علمی

یکی از ملزومات جهت‌گیری درست علمی آن است که آثار علم و وصول به غایت تعلیم و تربیت مشهود شود؛ چنان که مصادیق آن تحت عنوان خشیت از مختصات علما و تمثیل انسانی از علم و آثار آن به‌عنوان نمونه ذکر شد. بر اساس دیدگاه امام خمینی جهت‌گیری علم باید به‌سوی رسیدن به خداوند باشد. بر همین اساس بر مریبان است تا در راه علم‌آموزی بر طبق صراط مستقیم حرکت کنند و به علم تقدس ببخشند، چراکه علم‌آموزی از راه‌های شناخت خداوند و جهان هستی است. تجلی تحقق این اصل تربیتی خوف و خشیتی است در رفتار مریبی و مرتربی و همگام با رشد و ارتقاء علمی خشیت آن‌ها افزایش خواهد یافت.

۴-۱-۷. اصل تقابل و تعامل اخلاق با عقل و عمل

چشم‌انداز متصدیان نظام تعلیم و تربیت در علوم اجتماعی، علوم طبیعی، تاریخ و امثالهم، همواره با نگرش آیه‌ای به عالم همراه بوده است. در این موارد تقابل و تعامل عقلانیت با حوزهٔ دیگر رابطهٔ تأثیر‌پذیری و تأثیرگذاری است؛ معلم با فعالیت اخلاقی و عملی خود در رابطه با دانش‌آموز، اجتماع و طبیعت، در موقعیت‌های گوناگون، بر عقلانیت خود تأثیر می‌گذارد؛ اما از سوی دیگر، او با به‌کار بستن باورها و نتایج عقل‌ورزی خود، بر حوزهٔ اخلاق و عمل تأثیر آفرین است. بر اساس این اصل، بر مریبان لازم است تا به‌عنوان اسوه اخلاقی، عقلانیت و عمل را با هم مرتبط سازند تا به‌عنوان الگوی انسان کامل بتوانند اهداف تعلیم و تربیت اسلامی را تحقق ببخشند. همچنین نظام تعلیم و تربیت بایستی معلمان و مریبانی را به خدمت‌گیری که صلاحیت اخلاقی و باور و اعتقاد راسخ به خدا و ائمه اطهار داشته و نیز اسوه‌ای نیکو باشند.

نتیجه‌گیری

در نگرش آیه‌ای امام هر پدیده‌ای از پدیده‌های هستی حاوی شمار فراوانی از نشانه‌ها و معانی است که در نهایت به خالق هستی دلالت دارند. بر این اساس هر چند جهان مجموعه پیچیده‌ای از «واقعیت» یا «پدیده‌ها» است؛ اما در تفکر اسلامی، این واقعیت‌ها باید به آیه‌ها تبدیل شوند تا بتوان جهان را منظومه پیچیده‌ای از آیه‌ها در نظر گرفت تا آنجا که تمام عناصر هستی همچون آینه‌ای از حق تعالی است. انسان‌شناسی و شناخت‌شناسی امام خمینی ارتباط وثیقی با یکدیگر دارند و نگرش آیه‌ای به خوبی در آن‌ها تبیین شده است. نگرش آیه‌ای امام در قلمرو تعلیم و تربیت و ارائه اصول تربیتی دارای دلالت‌هایی است که نحوه نگرش به علوم، عقل، پیوند عقل و عالم هستی و... را در برمی‌گیرد. از جمله اصولی که به دست آمد عبارتند از: اصل توجه به مراتب تربیتی سه گانه، اصل توجه به تفکیک جزئی نگر، اصل مداومت، مراقبت و محافظت، اصل ارتباط مراتب علوم با عقل در نگرش آیه‌ای و... . بر همین اساس می‌توان گفت اگر نظام تعلیم و تربیت بخواهد به حیات طیبه که یکی از اهداف مندرج در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است دست یابد، باید در برنامه درسی و فرایند یادگیری و شناخت، نگرش آیه‌ای را مبنای کار خود قرار دهد؛ چرا که تعلیم و تربیت در نگرش اسلامی باید تحقق بخش مراتب و کمالات انسانی است.

منابع

- اردبیلی، سید عبدالغنی. (۱۳۸۱) **تقریرات فلسفه امام خمینی** (۵)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۵).
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵) **صحیفه امام** (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۵).
- _____ (۱۳۷۶) **شرح چهل حدیث**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۵).
- _____ (۱۳۸۰) **آداب الصلوة (آداب نماز)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۵).

اکبر صالحی و همکاران: تبیین نگرش آیه‌ای به عالم از دیدگاه امام خمینی و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن ۱۵۱

- _____ (۱۳۷۹) **تفسیر سوره حمد**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ه).
- _____ (۱۴۲۳ق) **شرح دعاء السحر**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ه)، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۷۷) **شرح جنود عقل و جهل**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ه)، چاپ اول.
- ایزدیناه، عباس. (۱۳۷۶) «بنیان‌های معرفتی احیای تفکر دینی و نگرش امام خمینی^(ه)»، **فصلنامه حضور**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ه)، شماره ۲۲.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۷) **هویت علم دینی؛ نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۴) **شناخت‌شناسی در قرآن**، به کوشش حمید پارسانیا، قم: جامعه مدرسین.
- چالمرز، آلن اف. (۱۳۸۰) **چیستی علم**، ترجمه سعید زیباکلام. تهران: سمت.
- رهنورد، زهرا. (۱۳۷۷). «نظریه نگرش آیه‌ای»، **سخن سمت**، شماره ۴، صص ۴۹-۴۳.
- عابدی، احمد و لک‌زایی، رضا. (۱۳۸۷). «شناخت‌شناسی از منظر امام خمینی^(ه)»، **پژوهش‌نامه متین**، سال اول، شماره دوم، صص ۱۲۵-۱۱۱.
- علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۶) «درآمدی به مبانی اسلامی روش تحقیق»، تهران: **فصلنامه نوآوری‌های آموزشی**، شماره ۲۱.
- کاپلستون، فردریک. (۱۳۸۵) **تاریخ فلسفه**، ترجمه جلال‌الدین مجتبوی، تهران: سروش.
- ملک محمدی، نرجس، فتح‌الله نجارزادگان و حسین معصوم بیگی. (۱۳۹۱) «بررسی رابطه خدا و جهان هستی از دیدگاه قرآن و نقش آن در ارتقای اخلاق زیست‌محیطی»، **مجله سبک زندگی با محوریت سلامت**، سال اول، شماره ۳، صص ۶۸-۶۳.

-
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۹) *ترجمه حکمت متعالیه در اسفار اربعه*، ترجمه محمد خواجه‌جوی، تهران: مولی.
- Abedi, A & Lakzaei, R. (2009) Cognition from the perspective of Imam Khomeini. *Matin Research Journal*. First year, second issue. pp 125-111. (in Persian)
- Al Zeera, Z. (2001) *Wholeness and Holiness in Education: An Islamic Perspective*, The International Institute of Islamic Thought.
- Alam al-Huda, J. (2008) "Introduction to Islamic principles of research method", Tehran: *Quarterly Journal of Educational Innovations*, No. 21. (in Persian)
- Ardabili, Seyed A. G. (2003) *Imam Khomeini's philosophy lectures: Description of the system*, Tehran: Orouj (Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini). (in Persian)
- Bagheri, Kh. (2009) *The identity of religious science; An epistemological look at the relationship between religion and the humanities*. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Persian)
- Chalmers, A. F. (2009) *What is science*, translated by Saeed Ziba Kalam. Tehran: Samat. (in Persian)
- Copleston, F. (2007) *History of Philosophy*, translated by Jalaluddin Mojtaba, Tehran: Soroush. (in Persian)
- Given, L. M. (2008) *The SAGE encyclopedia of qualitative research methods*. London: Sage.
- Khomeini, S. R. (1998) *Explanation of forty hadiths, twenty-fourth hadith*; Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (in Persian)
- _____. (2001) *Etiquette of prayer (etiquette of prayer)*, Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (in Persian)

- _____ . (2000) *Collection of Imam Works* , Tehran: The Institute for the Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini. (In Persian)
- _____ . (2011) *Interpretation of Surah Hamad*, Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (in Persian)
- _____ . (2002) *Description of Dua al-Sahar*, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RA), second edition. (In Arabic)
- _____ . (1998) *An exposition of the Tradition of the Armies of Reason and Ignorance*, Tehran: The Institute for the Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini. (In Persian)
- Izadpanah, A. (1998) "The epistemological foundations of the revival of religious thought and attitude of Imam Khomeini", *Attendance Quarterly*, Tehran: Imam Khomeini Publishing House, No. 22. (in Persian)
- Javadi Amoli, A. (1996) *Epistemology in the Quran*. By Hamid Parsania, Qom: Teachers Association. (in Persian)
- Malek Mohammadi, N, Najarzadegan, F & Masoom Beigi, H. (2014) "Investigating the relationship between God and the universe from the perspective of the Qur'an and its role in promoting environmental ethics", *Health Focus Magazine*, First Year, No. 3, pp. 68-63. (in Persian)
- Rahnavard, Z. (1991) "Verse Attitude Theory", *Sokhan Samat*, No. 4, pp. 49-43. (in Persian)
- Sadruddin Shirazi, M. I. I. (2011) *Translation of transcendent wisdom in the four journeys*, Translated by Mohammad Khajavi, Tehran: Molly. (in Persian)